

دوهفته نامه الکترونیکی هدایت

www.hadinews.ir

کانال معیار در سروش @meyar.pb



معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

نشریه هدایت / شماره ۱۰ / اول شهریور ۱۳۹۸



پیشرفت بدون عدالت نمی خواهیم

◀ نمایش اختلاف

هرچه انتخابات نزدیک تر می شود، نگرانی از شکست در جریان اصلاحات فزونی می گیرد و شاهد تلاش های بیشتری برای فرار از آن هستیم، موضوعی که چهره های شاخص این جریان به صراحت بر زبان می آورند چنانکه «ابراهیم اصغرزاده» می گوید: «وقتی دولت، ناکارآمد باشد و مردم در خیابان آن را لعنت کنند، هر چقدر هم ما در رسانه های اصلاح طلب عکس روحانی را در ماه بینیم، توده های مردم باور نخواهند کرد و اگر با طناب یک دولت ضعیف به سمت صندوق رأی برویم و مردم را تشویق کنیم پای صندوق بیایند، چه بیایند و لیست مان شکست بخورد و چه نیایند، در هر دو حال فاتحه اصلاح طلبی خوانده شده است؛ آن هم با صندوق رأی! اینکه اصلاح طلبان با صندوق رأی زمین گیر شوند، فاجعه است.» اما اصلاح طلبان برای فرار از شکست چه در سر دارند؟

اصلاح طلبان که به خوبی می دانند افکار عمومی از عملکرد دولت مورد حمایت آنها ناراضی است و نمایندگان اصلاح طلب مجلس و شوراهای یکدست اصلاح طلب در کلان شهرها به هیچ عنوان نتوانسته نظر مردم را جلب کند به دنبال نمایش اختلافات درونی و ساختن دوگانه اصلاح طلب خوب و اصلاح طلب بد هستند! یا به معنای دقیق تر ساختن دو گانه اصلاح طلب بدلی و اصلاح طلب واقعی! موضوعی که محمدرضا عارف صراحتاً آن را اعلام کرده است: «امروز همان دوستانی که عامل تصمیم سال ۱۳۹۲ (انصراف عارف به نفع روحانی) بودند طلبکار شده اند. راهبرد ما در انتخابات پیش رو، ارائه یک لیست «کاملاً اصلاح طلبانه» است. دنبال لیست تأثیرگذار هستیم؛ اما ممکن است با توجه به شرایط به سمتی برویم که اقلیت تأثیرگذار باشیم؛ زیرا معتقدم ضربه ای که از لیست امید خوردیم باید یک درس جدی برای جریان اصلاحات باشد.» جملاتی که به روشنی تقصیر کم کاری ها و ناکارآمدی ها را به گردن ائتلاف می اندازد! و این پیام را به مخاطب القا می کند که اگر نتوانستند شعارهای دوران انتخابات را عملی کنند به خاطر آن است که اصلاح طلب واقعی در انتخابات پیروز نشدند! اما آیا افکار عمومی فریب این دوگانه سازی های خیالی را می خورد؟ احتمالش نزدیک به صفر است.

◀ اهتزاز پرچم ایران در مستعمره انگلیس!

باد بر پرچم جمهوری اسلامی ایران می‌وزد و نفتکش «آدریان دریا» تنگه جبل الطارق را به سوی مقصد خود در یونان ترک می‌کند، تصویری واضح از معادلات قدرت در جهان! یا به تعبیر دیگر روایت افول غرب و قدرت یابی ایران اسلامی! ماجرای راهزنی دریایی انگلستان ماجرای پیروزی بین‌المللی تهران در مقابل لندن است، رقم خوردن یک بی‌اعتباری بزرگ برای انگلستان، چرا که جمهوری اسلامی ایران فراتر از اثبات قدرت و تسلط خود در دریا، نفتکش خود را، نه در یک زد و بند سیاسی و نه در فرایند یک درگیری نظامی و اقدام متقابل، بلکه در یک کارزار حقوقی آزاد و با حکم حقوقی دادگاه جبل الطارق، سناریوی که آمریکایی‌ها نوشته و انگلستان کارگردانی می‌کرد را آنگونه که خود خواست به پایان برد، پایان و یک تلخی بی‌پایان را برای دشمنان ملت ایران رقم زد.

در شرایطی که سران کاخ سفید پس از مورد هدف قرار دادن پهپاد متجاوز «گلوبال هاوک» به حریم هوایی ایران و بی‌حیثیت شدن ارتش این کشور، با طراحی سناریو توقیف نفتکش ایران، به دنبال به دست آوردن برگ برنده‌ای در مواجهه با ملت ایران بودند، جمهوری اسلامی ایران با هوشمندی تمام این برگ برنده را به یک شکست مفتضحانه برای آنها تبدیل کرد. ایران با پیگیری حقوقی که در نهایت به حکم قانونی دادگاه جبل الطارق منتهی شد، جای هیچ گونه دفاع را برای انگلیس از توقیف نفتکش ایرانی باقی نگذاشت و نشان داد، اقدام لندن یک دزدی تمام عیار بوده است، ایران به واسطه حکم دادگاه جبل الطارق واقعیت سیاست‌ها و عمل انگلیس را به نمایش گذاشت؛ مسئله‌ای که می‌تواند به کاهش اعتبار حقوقی لندن در نظام بین‌الملل منجر شود. فراتر از این مسئله آزادسازی نفتکش ایرانی، باوجود سفر جان بولتون به لندن و دیدار او با مقامات انگلیسی و اصرار ویژه مشاور امنیت ملی ترامپ بر استمرار توقیف نفتکش ایرانی و همچنین تقلای کاخ سفید برای تغییر حکم دادگاه در ساعات پایانی حضور آدریان دریا در جبل الطارق است که به خوبی نشان داد قدرت کاخ سفید و دوستانش، تا چه اندازه‌ای در برابر ملت ایران تحلیل رفته و معادلات جهانی به سرعت در حال تغییر است.

◀ روندی که باید تکمیل شود

«نظام با مفسدان تعارف ندارد و عزم نظام برای برخورد با فساد جدی و قاطع است» این معنا و پیامی است که اقدامات قوه قضائیه برای جامعه دارد، موضوعی که رئیس دستگاه قضا نیز به صراحت از آن سخن گفته و اعلام کرده است: «انقلاب اسلامی مطلقاً فساد را نمی‌پذیرد و اجازه نمی‌دهد فساد در هیچ جایی لانه کند؛ چرا که بنای نظام مبتنی بر نپذیرفتن فساد است. صلاح و ضدفساد بودن در ذات انقلاب اسلامی است و ما در هر کجای نظام اقتصادی، اداری، فرهنگی و سیاسی کشور اجازه وجود فساد نمی‌دهیم؛ چون فلسفه دستگاه قضا پاسداری از انقلاب است.»

برخورد دقیق، موشکافانه، بدون تعارف و مصلحت‌جویی با فساد بدون توجه به آنکه متهمان چه وابستگی‌های خانوادگی و جناحی دارند کاملاً در رفتار این روزهای قوه قضائیه قابل رصد و مشاهده است، اما این برخوردها به تنهایی کفایت نمی‌کند و باید در کنار آن دو اتفاق مهم دیگر نیز باید بیافتد! اول اینکه نتیجه مبارزه با فساد برای مردم قابل درک و لمس باشد؛ به این معنا که سرانجام دادگاه‌ها و نتایج آن در پیش چشم مردم قرار گیرد، به عبارت دقیق‌تر بازگشت دارایی‌های ربوده شده چه از جیب اشخاص حقیقی و چه از بیت المال و بودجه کشور است به مبدا خود باز گردند و مردم این بازگشت‌ها را مشاهده و درک کنند؛ و مهم‌تر از این مجلس و دولت نیز در مبارزه با فساد در کنار قوه قضائیه قرار گرفته و با اصلاح قوانین و برطرف کردن خला‌های قانونی و افزایش نظارت راه را بر تکرار چنین مفسده‌هایی کاملاً ببندند.

به نام حضرت دوست

مؤلفه های تحلیل واقع نگر در بیانیه گام دوم**پیشرفت های انقلاب اسلامی (۵)**

اشاره: در ادامه سلسله یادداشت های روش تحلیل انقلاب اسلامی بر اساس بیانیه گام دوم، در یادداشت قبل، پیشرفت های انقلاب در عرصه معنویت و دین گرایی را در چند بخش زیر موضوع سخن قرار دادیم: الف: وضعیت تمدنی تقابل دو جبهه مادی گرا و الهی، قبل از وقوع انقلاب اسلامی و افول تدین و معنویت در سطح جهان در سطوح: ۱. در عرصه تفکر و فرهنگ؛ ۲. در عرصه سیاسی و بین المللی؛ ۳. در ایران عصر پهلوی. ب: وضعیت دین و معنویت در سطح جهان در عصر انقلاب اسلامی در سطوح: ۱. رنسانس (تولد دوباره) تفکر دینی در انسان غربی، ۲. رنسانس دینی در رویکرد اندیشمندان، ۳. تحول در رویکرد مادی سیاستمداران. در این قسمت پیشرفت دینی و معنوی جامعه ایران در عرصه دین و معنویت بعد از وقوع انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار می دهیم.

۱. روش علمی ارزیابی «دینداری»

یکی از مباحثی که امروزه برای جوامع اسلامی به ویژه نظام جمهوری اسلامی مطرح است چگونگی سنجش دینداری افراد جامعه است. چنانکه شاهد هستیم ارزیابی های متفاوت و گوناگونی درباره میزان پای بندی افراد جامعه به دین و دینداری از سوی شخصیت ها و نهادها در حال ارائه است. ارزیابی هایی که بعضاً دارای تفاوت ها و تعارض هایی با یکدیگر است. البته اگر بخواهیم عمیق تر نگاه کنیم برخی از این ارزیابی ها دارای منشأ و خاستگاه سیاسی و بعضاً نیز فاقد پشتوانه علمی و به ندرت دارای روش مندی علمی و آکادمیک است. مطابق روش ارزیابی علمی، قبل از ورود به عرصه داوری و قضاوت درباره هر پدیده اجتماعی باید «شاخص» ارزیابی را تعیین نمود تا بر اساس آن ارزیابی صورت پذیرد.

لازم به توضیح است، شاخص دینداری از منظر افراد مختلف متفاوت است. در سده اخیر پس از تحول معرفتی رنسانس، همپای رویکردهای کمی و مادی به انسان و جهان، دینداری نیز از سوی جامعه شناسان و روانشناسان مورد سنجش های کمی قرار گرفته است. دین به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی در تقسیم بندی جامعه شناسان جایگاه خاصی دارد. آنها در یک تقسیم بندی نهادهای اجتماع را به ۵ دسته: ۱. آموزش، ۲. خانواده، ۳. دین، ۴. سیاست، ۵. اقتصاد تقسیم می کنند.^۱ جامعه شناسان توجه ویژه ای به نقش دین در جامعه و آثار آن بر سایر نهادها داشته اند. دانشمندان روانشناس نیز با رویکردهای متفاوت، شاخص های مختلفی را مورد توجه قرار داده اند. از آن جمله می توان به شاخص های ارائه شده در کتاب «معرفی مقیاس های دینی»^۲ یا مجموعه مقالات «مبانی نظری و روان سنجی مقیاس های دینی» اشاره کرد. لازم به ذکر است پژوهش هایی نیز مبتنی بر شاخص های فوق درباره ارزیابی میزان دینداری جامعه ایران صورت گرفته که به دلیل تفاوت در شاخص ها به نتایج متفاوتی انجامیده و به همین دلیل نیازمند واکاوی بیشتر است.^۳

اما در این میان آنچه برای تحلیلگران فرهنگی، سیاسی انقلاب اسلامی دارای اهمیت است دسترسی به شاخص هایی است که دارای «حجّیت»^۴ دینی باشد و از سوی اولیای دین -رسول اعظم(ص) و اهل بیت(ع)- ارائه شده باشد. از آنجا که دینداری فرد و

^۱ بررسی جامعه شناختی برخی از عوامل مؤثر بر میزان دینداری، رضادوست، حسین زاده و مصطفایی دولت آبادی، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۱۰، ۱۳۸۹

^۲ اثر پیترهیل و رالف هود، ترجمه و تلخیص مسعود آذربایجانی و سید مهدی موسوی، ص ۷.

^۳ بررسی سطح دینداری و گرایش های دینی دانشجویان امیرکبیر، نامه جامعه شناسی ایران، ش ۴، ۱۳۸۵؛ افول دین داری و معنویت در ایران: توهم یا واقعیت، محمدرضا طالبان، مجله حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲، ش ۳۵؛ سنجش میزان برخورداری دانشجویان از شاخص های دینداری و عوامل مؤثر بر آن، محمد رحیمی، زهرا حضرتی صومعه، اقباله عزیزخانی، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی جوانان، ش ۲۱.

^۴ مراد از حجّیت، استناد داشتن یک موضوع به شارع مقدس و خداوند متعال از طریق روش های قابل استدلال است.

جامعه برگرفته از دین است، شاخص های ارزیابی آن نیز باید از دین گرفته شود. برخی از پژوهش ها در این موضوع به چاپ رسیده^۵ اگر چه نقدهایی به آنها وارد است.

۲. شاخص و مقیاس دینداری در مکتب اهل بیت(ع)

در بررسی روش ارزیابی دینداری از سوی ائمه اطهار(ع)، شاخص هایی وجود دارد که نیازمند «طبقه بندی» و «اولویت بندی» است. مطابق تعالیم اولیای معصوم(ع)، «مقیاس دینداری» دارای سه سطح کلان می باشد. این سطوح متشکل از: دو سطح اعتقادی است که عبارتند از:

۱. سطح الوهیت (اعتقاد به خدا)،

۲. سطح ولایت (اعتقاد به ولایت اولیای معصوم)،

و یک سطح رفتاری:

۳. سطح شریعت (التزام به مناسک و احکام دین).

به نظر بسیاری از متفکران مسلمان، رکن اساسی دین داری، «اعتقاد به خدا» است.^۶ در دین اسلام «اعتقاد به خداوند» اصلی ترین باور در نظام اعتقادی است؛ چون این اعتقاد دینی مدلولات نظری پر دامنه ای دارد و با مجموعه گسترده ای از اعتقادات همبسته است، شخص، با صرف اعتقاد به این گزاره، لاجرم مجموعه ای از گزاره ها را تصدیق و تکذیب کرده، به این ترتیب، نظامی از اعتقادات دینی را تصدیق خواهد نمود. بنابراین نخستین سطح دینداری، اعتقاد و خضوع قلبی و باطنی در برابر خدای متعال است که از بستر و مسیر تولی به اولیای معصوم(ع) می گذرد. چنانچه کسی این تولی را [تعمداً] انکار نماید، اهل خضوع و تالله در برابر خدای متعال نیست. این تالله و ولایت در شریعت (انجام مناسک و احکام دینی که با وساطت اولیای معصوم(ع) به ما رسیده) ظهور و بروز پیدا می کند. مراد از شریعت، همه دستورهای اخلاقی و عملی است. بنابراین اگر کسی دیندار است باید عامل به این احکام باشد.

۳. اولویت بندی شاخص های دینداری

نکته بسیار مهم و تعیین کننده آنست که اگر چه دینداری از سه سطح فوق تقویم یافته است لکن بین این سه سطح «اولویت و تقدّم رتبی» وجود دارد. بدین معنا که «اعتقاد به خدا» بالاترین ارزش را در شاخص های دینداری داراست. بعد از آن، «اعتقاد به ولایت» و بعد از آن «عمل به شریعت» قرار دارد. بنابراین اگر بخواهیم به تحلیل سطح دینداری جامعه بپردازیم باید این سطح بندی علمی را در ارزیابی مبنا قرار دهیم و صرفاً نمی توانیم شاخص دینداری را به عمل به احکام و مناسک شریعت فروکاهیم.

به عنوان نمونه به برخی از روایات درباره ارزش شاخص «اعتقاد به ولایت» در دینداری اشاره می کنیم. مطابق روایات متواتر منابع معتبر شیعی و سنی، از رسول خدا (ص)، اعتقاد به ولایت شرط قبول دینداری شمرده شده و بدون ولایت هیچ عملی (شرایع) مورد قبول قرار نمی گیرد: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة؛ هر کس بمیرد در حالی که امام زمان خویش را نشناسد (معتقد نباشد) به مرگ جاهلی (بدون دین) از دنیا رفته است».^۷

عبسی بن سری می گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: پایه هایی را که اسلام بر آن نهاده شده به من بفرمایید تا چون به آنها چنگ زنم، کردارم پاک و بی عیب باشد و چیزهای دیگری را که نمی دانم زیانم نرساند. آن حضرت فرمودند: «گواهی دادن به

^۵ شاخص های دینداری، مهناز قدرتی قره قشلاقی و مهدی مهریزی، مجله علمی پژوهشی علوم حدیث، پاییز ۱۳۸۹، ش ۵۷؛ بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش های اجتماعی، حسین سراج زاده و مهناز توکلی، نامه پژوهش، ۱۳۸۰، ش ۲۱ و ۲۰.

^۶ آیت الله مصباح یزدی، «معرفت دینی»، کتاب نقد، شماره ۶ - ۵، زمستان ۷۶ و بهار ۷۷.

^۷ بنگرید:

یگانگی خدا و اینکه محمد(ص) رسول خداست و اقرار نمودن به آنچه از جانب خدا آورده و این که حقّی به عنوان زکات در اموال است و ولایتی که خدای عزوجل به آن امر فرموده است [حضرت در اینجا به آیه ولایت اشاره می فرماید] و آن ولایت آل محمد(ص) است، زیرا رسول خدا(ص) فرمود: هر که بمیرد و امامش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.^۸

درباره نظایر این رتبه بندی در سایر ادیان نیز باید به روایاتی توجه نمود. در روایات نقل شده است، آن هنگام که خدا ابلیس را به سجده آدم امر کرد، ابلیس تکبر نمود، از خدا خواست که او را از این فرمان معاف داشته در عوض، عبادتی کند که هیچ کس خدا را آن گونه عبادت نکرده باشد! خداوند در پاسخ او فرمود: «عبادت آن است که من فرمان می دهم نه آنکه تو می خواهی»^۹ یعنی عبادت، اطاعت فرمان خدا است، و تنها به سجده رفتن و تضرع نمودن عبادت نیست. نماز و دعا به شرطی عبادت است که در اطاعت از فرمان خدا باشد. امام صادق(ع) فرمودند: «به خدا قسم اگر ابلیس پس از نافرمانی و تکبر از اطاعت دستور خدا، به مقدار عمر دنیا بر خدا سجده می کرد، برای او سودی نمی داشت و خدا از او نمی پذیرفت، مگر اینکه او طبق فرمان خدا بر آدم سجده می کرد. وضعیت این امتی که بعد از پیامبر(ص) نافرمانی کرده و گمراه شده نیز چنین است. بعد از ترک گفتن پیشوایی که پیامبر(ص) برای آنها منصوب کرد، خداوند هرگز عملی از آنها را نمی پذیرد و نیکی های آنها را بالا نمی برد، مگر اینکه از آن جهتی که خدا امر کرده است بیایند و امامی را که خدا به ولایتش امر کرده، اطاعت کنند و از بابی که خدا و رسول برای آنها گشوده اند وارد شوند.^{۱۰} دلیل سجده ابلیس در برابر آدم نیز تواضع در برابر مقام ولایت و خلیفه خدا بوده و گر نه خداوند که دعوت به شرک نمی کند.

در روایت دیگری چنین نقل شده: «خاندانی در بنی اسرائیل بودند که در پی ۴۰ روز عبادت، هر چه از خدا طلب می کردند، خداوند به آنها مرحمت می فرمود. یکی از آنان به عبادتی چهل روزه پرداخت ولی دعای او پذیرفته نشد. به نزد عیسی(ع) شکایت کرد. عیسی(ع) تظہیر نموده نماز خواند. آن گاه به درگاه حق دعا کرد. وحی آمد: «ای عیسی این بنده ام از غیر آن بابی که باید نزد من آیند نزد من آمده، او مرا خوانده در حالی که در نبوت تو شک دارد. اگر به اندازه ای مرا بخواند که گردنش قطع و بندهایش از هم بگسلد من دعایش را مستجاب نخواهم کرد. عیسی(ع) به وی فرمود: پروردگارت را می خوانی و در دل خود به پیامبرش شک داری؟ گفت: ای روح الله، به خدا سوگند همین طور است که می فرمایی، از خداوند بخواه که این شک را از دل من بزداید. عیسی(ع) برای وی دعا کرد و خداوند از وی پذیرفت، و او در حدّ سایر افراد خاندان خویش قرار گرفت. ما خاندان نیز این چنین هستیم، خداوند عمل بنده ای را که درباره ما شک دارد قبول نمی فرماید.»^{۱۱} از این رو اعتقاد به ولایت شرط قبول مناسک عبادی شمرده می شود و دارای برتری رتبی است. اگر چه ولایت بدون عمل نیز دارای نقص است ولی عمل بدون ولایت موجب بطلان است.

۴. پذیرش و حمایت از حکومت دینی، مهم ترین شاخص دینداری

بنابر نکات یادشده در باب ولایت، باید گفت در مقیاس اجتماعی، سیاسی و حکومتی، اصلی ترین شاخص دینداری دفاع از پرچم دین خدا (حکومت دینی) در برابر پرچم کفر (حکومت غیر دینی) است. چنانکه در فتوا و سخن معروف امام خمینی(ره) نیز به این معنا تأکید شده است. رهبر حکیم انقلاب نیز معتقدند: «(امام) فرمود حفظ نظام از اوجب واجبات یا اوجب واجبات است؛ یعنی همه مسائل بعدی، فرع این مسئله است.»^{۱۲} در سخن امام آمده است: «آحاد مردم یکی یکی شان تکلیف دارند برای حفظ جمهوری اسلامی ... از نماز اهمیتش بیشتر است؛ برای اینکه این حفظ اسلام است.»^{۱۳}

^۸ بنگرید: فصلنامه مهدی موعود (عج)، ش ۳۸، مقاله «تحلیل و بررسی مرگ جاهلی»، اثر علی ربانی گلپایگانی، کافی، شیخ کلینی، ج ۲، ص ۲۱.

^۹ مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار ج ۶۳، ص ۲۵۰

^{۱۰} حر عاملی، حسین، وسائل الشیعه، ج ۱، باب ۲۹، ح ۵

^{۱۱} کلینی، محمد، کافی، ج ۲، ص ۴۰۰

^{۱۲} ۱۳۹۳/۰۹/۰۶

^{۱۳} صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۸۶

حفاظت از نظام اسلامی، بزرگترین عبادت و شاخص دینداری است که مردم ایران با تمام وجود بیش از ۴۰ سال است آن را ادا کرده و سختی های آن را تحمل نموده اند. دشواری ایستادگی در این راه هنگامی روشن تر می شود که بدانیم هزینه ای که غرب در برابر انقلاب اسلامی نموده، بسیار بیشتر از هزینه ای است که در جنگ سرد علیه شوروی سابق نموده است. احسان نراقی ۱۵ سال قبل در مصاحبه ای که کیهان از او چاپ کرد، بیان کرد: بودجه ای که غرب در طول ۲۵ سال در برابر انقلاب اسلامی هزینه کرده بیشتر از بودجه ای است که در برابر اتحاد جماهیر شوروی و کلّ بلوک شرق هزینه کرده است.^{۱۴} این هزینه تا امروز به مراتب بیشتر شده است: جنگ رسانه ای گسترده، جنگ اقتصادی، جنگ نظامی در عراق، افغانستان، سوریه، یمن و ... این حجم از هجوم کافی بود تا هر ملتی را نابود کند. لکن ملت ایران با استحکام از نظام اسلامی و پرچم دین خدا حمایت کرده؛ دهها هزار شهید داده و هنوز هم جوانان آماده شهادت دارد. البته این ملت انتقاد و گلایه هم دارد و می خواهد تا اقتصاد و فرهنگش نیز مانند قدرت سیاست و دفاعش پیشرفته باشد.

بنابراین مهم ترین شاخص دینداری یک جامعه این است که ببینیم آن جامعه کدام پرچم را برافراشته است؟ اگر ملتی حاکمیت مستکبران را بپذیرد، اگر تمام شبها و روزهایش را به عبادت خدا بپردازد، هیچ عبادت و شریعت دینی از او پذیرفته نمی شود. نویسنده حکیم بیانیه، رهبر معظم انقلاب، معتقدند: «وقتی جهت گیری کلیت یک جامعه، یک سازمان، یک مجموعه غلط بود، تلاش های فردی هرچه هم در آن جامعه انبوه باشد، نتیجه خودش را نخواهد بخشید ... [در حدیثی قدسی] نقل شده است که ... مضمون حدیث این است: اگر سررشته نظام یک جامعه به دست انسان های فاسد و ناباب و ستمگر و منحرف باشد، حرکات مؤمنانه افرادی که در این جامعه هستند، به جایی نمی رسد؛ و اگر در آنچنان جامعه ای کسانی تسلیم باشند و از آن ستمگران اطاعت کنند، خدا آنها را هم عذاب می کند. البته در همین حدیث، عکسش هم هست: ... که اگر چنانچه در یک ... جامعه ای، حاکمیت و نظام، نظام الهی است، نظام عادلانه است، آن کسانی که اطاعت از این نظام می کنند، مورد عفو الهی هستند؛ ولو خطاهایی هم داشته باشند. شما می توانید این را در مقیاس یک کشور، در مقیاس یک امت، در مقیاس یک جامعه محاسبه کنید.»^{۱۵} بنابراین، این «اصلی ترین شاخص» دینداری است و جامعه ایران با همه خطاهایی که می بینند، چون اصل پرچم و نظام را الهی می دانند، با وجود سختی های اقتصادی که با آن دست و پنجه نرم می کنند، در این راه استوار و بدون تردید کنار رهبر و زعیم خویش ایستاده اند.

۵. ارزیابی دینداری بر اساس شاخص «شریعت»

در ارزیابی شاخص عمل به مناسک و احکام شریعت نیز آمارها و ارزیابی های قابل تأملی وجود دارد که بعضاً از نظر اهل نظر دور می ماند و مشاهده چند نمونه غفلت از برخی عبادات، موجب خطای محاسبه دینداری کلّ جامعه در همه سطوح دینداری می شود. به رغم همه تلاش ها و هزینه های هنگفتی که در خارج و داخل کشور برای گسترش صنعت توریسم غیر دینی و ترویج گسترده لابیگری می شود، تجمعات دینی و مذهبی بزرگ و مستمر در سطح کشور نمونه های بسیار خوبی در ارزیابی سطح دینداری جامعه است. هر هفته جمعیت ۲۰۰ هزار نفری و ۲۰ میلیون زائر سالیانه مسجد مقدس جمکران؛ ۳۰ میلیون سفر برای زیارت حرم مطهر امام رضا(ع) و میلیون ها نفر زائر برای زیارت مراقد مطهر حضرت معصومه(س)، شاهچراغ، و سایر امامزادگان(ع)؛ و چندین میلیون نفر پیاده روی اربعین به زیارت کربلای معلا (با پرداخت هزینه و دشواری مسیر) و حتی جاماندگان اربعین در پیاده روی حضرت عبدالعظیم حسنی(ع). این حجم زائر را توریسم مادی نتوانسته است جذب کند. شاخص کمی زیارت حتی از سوی غربگرایان به عنوان شاخص دینداری محسوب می شود و اینها از اینکه این گونه آمارها در ایران رو به

^{۱۴} آیت الله سیدمهدی میرباقری، گفت و گوی تلویزیونی برنامه جهان آرا، ۱۳۹۸/۰۵/۰۹

^{۱۵} ۱۳۹۱/۰۲/۰۳؛ متن حدیث: امام باقر (ع) فرمود: خدای تبارک و تعالی فرموده است: «هر دسته از مسلمین، که از امام (حاکم) جائری که از جانب خدا نیست اطاعت کرده است، هر چند در اعمالش نیکوکار و پرهیزگار باشد، عذاب خواهم کرد، و هر دسته از مسلمین، که از امام هدایت کننده از جانب خدا اطاعت کرده است، خواهم بخشید، هر چند آن دسته، در اعمال خود، ستمکار و گناهکار باشد.»

رشد است احساس نگرانی و نا آرامی دارند و آن را نشانه عدم توسعه یافتگی غربی می دانند. شخصیت های جریان توسعه طلب غربگرا در دوران اصلاحات معتقد بودند: «چطور می گوئید ما اصلاحات کردیم؟ فقط در سال ۳ میلیون نفر به زیارت امامزاده ها رفتند!». این جریان می داند که اگر توسعه به معنای مادی آن گسترش پیدا کند، توریسم به معنای مادی و لابیگری شکل می گیرد. جمعیت های انبوه شب های قدر، دعاها، عرفه، اعتکاف های رجبیه و رمضانیه، جشن های نیمه شعبان، مولید اهل بیت (ع)، شب و روز عاشورا، راهپیمایی روز قدس در حال روزه، ۲۲ بهمن، ... نشانه بزرگی بر عمق دینداری این ملت است. حدود ۴۰ سال قبل، در بین عموم جامعه دعای عرفه، اعتکاف و بسیاری از مناسبت های ولایی ناشناخته بود. از شاخص های بسیار ارزشمند در دینداری شهادت طلبی است. انسان ها جان خویش را از همه چیز بیشتر دوست دارند. قبل از انقلاب گوهر شهادت بسیار نایاب بود. امروز شهادی مدافع حرم و مشتاقان فراوان شهادت و متوسلین به شهدا شاخص مهم دیگری در میزان دینداری جوانان است.

۶. ارزیابی واقعی دینداری نسبت به موج هجوم شیطان

اگر بخواهیم ارزیابی ما از وضعیت دینداری، خارج از خلأ و در فضای واقعی باشد باید این ارزیابی نسبت به شدت موج هجوم شیطان صورت گیرد. شنا کردن در شرایطی که موج آب شدید و بر خلاف حرکت شناگر است، امری دشوار می باشد و قوی ترین شناگرها نیز همین که به عقب برنگردند پیروزند. طبیعی است که افراد متوسط و ضعیف در چنین شرایطی دچار عقب گرد نسبی شوند. وضعیت دینداری نیز مشابه همین مثال است. قبل از انقلاب هجوم رسانه ای صرفاً از قالب یک گیرنده تلویزیونی سیاه و سفید و در چند ساعت محدود میسر بود. ولی امروز صدها شبکه ماهواره ای و هزاران سایت و کانال شبکه های اجتماعی مجازی هجوم چند ده هزار برابری را علیه اخلاق و معنویت مدیریت می کنند و نسبت به این حجم از هجوم، میزان استقامت و دینداری نسل جوان بسیار بالاتر از حد انتظار قرار دارد.

در جمع بندی تحقیقی دقیق و علمی که مبتنی بر فراتحلیل ۱۴ پژوهش دیگر درباره میزان دینداری جامعه صورت گرفته، چنین آمده است: «در مجموع، یافته های مربوط به تحلیل مطالعات نشان می دهد از هر راه که پژوهش های علمی را مبنای ارزیابی داعیه تضعیف تدریجی دین در نسل جدید ایران قرار دهیم، نظریه افول دینداری با مشکلات جدی روبه روست؛ به نحوی که هیچ مدرک علمی ای نمی تواند از آن حمایت کند. به نظر می رسد بسیاری از آنچه تاکنون راجع به دینداری جوانان (و مردم) و نگرانی های مربوط به آن گفته شده است فراتر از مرز ادراکات حاصل از زندگی یا مشاهدات و شنیده های شخصی^{۱۶} نیست. بسیاری از داعیه ها و اظهارنظرهای مربوط به ضعف و افول دینداری مردم و به ویژه نسل جدید، بیش از آن که مبتنی بر پژوهش هایی روش شناختی باشد، بیان تصورات و توقعات گویندگان است و البته شواهدی نیز به صورت گزینشی و همسو با ادعاها و نادیده گرفتن سایر موارد مشاهده ای ارائه می شود. نتیجه اصلی این مطالعه آن است که یافته های تحقیقات علمی، اعتبار نظریات «بحران دینداری» و «افول دینداری» در نسل جدید ایران را زیر سؤال می برد؛ بنابراین، وقتی مدارک و شواهد محکمی وجود ندارد که روندی خاص را در جهت کاهش دینداری و معنویت جوانان و نسل جدید نشان دهد، نباید طوری تبلیغ شود که گویی وضعیت مذهبی و تعلقات دینی جوانان امروزی بحرانی و فاجعه آمیز است.»^{۱۷}

^{۱۶} Common Sense

^{۱۷} افول دینداری و معنویت در ایران: توهم یا واقعیت، محمدرضا طالبان، مجله حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲، ش ۳۵